

## صاحبان رسالات موسیقی

نوشته حسینعلی ملاح

۷

### ۵۱- قزوینی

نامش : زکریا بن محمد القزوینی است که بسال ۶۸۲ هجری مطابق با ۱۲۸۳ میلادی در گذشته است .

مشهورترین رساله وی : عجایب المخلوقات نام دارد - باب دوازدهم این رساله درباره موسیقی است . فارمر نوشته است : « نسخه ای از این رساله بشماره ۱۸۳ در کتابخانه دانشگاه ابردین Aberdeen مضبوط است که در صفحه بیست و هشتم آن چنگ نوازی، به شیوه مینیاتور ترسیم شده است . »

### ۵۲- صفی الدین عبدالؤمن ارموی

نامش : صفی الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف [یا ابن ابی المفاخر] بن فاخر ارموی البغدادی است که بسال ۶۱۳ در ارومیه آذربایجان زاده شده و بسال ۶۹۳ هجری مطابق با ۱۲۹۴ میلادی در بغداد در گذشته است .

---

۱- فارمر در متن کتاب منابع موسیقی عرب (ص ۴۸) سهو اوفات صفی الدین را ۱۲۸۴ نوشته است - در حالیکه در مقدمه همین کتاب (ص ۲۳) ۱۲۹۴ ثبت کرده است - سبب آنکه وجه اخیر می باید درست باشد ذکر همین عدد در کتاب دیگر فارمر است (نسخه های خطی رسالات موسیقی عرب) .

در شرح احوال این موسیقی دان نامدار قرن هفتم هجری چنین نوشته اند: <sup>۱</sup>  
 و وی بسال ۶۱۳ هجری در شهر ارومیه (آذربایجان) متولد شده و در اوان  
 خردسالی برای تحصیل علم و هنر به بغداد رفته است. پس از آنکه المستنصر بالله  
 عباسی بسال ۶۳۱ مدرسه معروف مستنصریه را تأسیس نمود، عبدالعزیز در آنجا  
 پیش دانشمندی از شافعیان به آموختن ادبیات و مشق خط پرداخت، از فنون ادب  
 بهره کافی بر گرفت، و علوم متداول عصر را از: عربیت و نظم شعر و محاضرات  
 و تاریخ و علم خلاف و فن موسیقی آموخت... سپس بنواختن عود مشغول شد و  
 در ضمن عمل فهمید که استعداد او در اینکار بیش از خط و فنون دیگر است و به  
 تعقیب موسیقی پرداخت، چندانکه در این هنر سرآمد روزگار گشت.



المستعصم، خلیفه مسلمانان،  
 نمیدانست که صفی الدین عود مینوازد،  
 و می پنداشت که او عالم به علوم، و  
 خوش نویسی است و منحصرأ به حرفه  
 کتابداری مسلط است... روزی  
 «لحافظ» کنیز خوش صدای خلیفه  
 ترانه تازه و دلکشی خواند، خلیفه  
 از او پرسید: سازنده این آهنگ  
 کیست؟

«لحافظ» پاسخ داد: این آهنگ  
 ساخته استاد من صفی الدین است.

خلیفه فرمود: استاد را پیش او آوردند، و چون صفی الدین در حضور  
 خلیفه عود نواخت، خلیفه را شگفتی آمد و چندان مطلوب واقع شد که دستور  
 داد بعد از آن همیشه ملازم حضور او باشد.  
 روزگار خلافت مستعصم که برای صفی الدین دوران خوشی و کامرانی بود

۱- مجله موسیقی - سال سوم، شماره هشتم و نهم - آبان و آذر ۱۳۲۰ -  
 مقاله بقلم آقای محیط طباطبائی.

با هجوم مغول و فتح بغداد و کشته شدن خلیفه به دستور هلاکو خان پایان یافت ، ولی این هنرمند برای رفع خطر از جان و مال خویشتن ، پیش هلاکو رفت و برای او عود نواخت و بیش از آنچه در روزگار مستعصم از دستگاه خلافت بدو میرسید از هلاکو خان بدست آورد .

در سال ۶۵۷ هجری ، شمس الدین محمد جوینی ، صاحب دیوان ممالک خانی شد و برادرش علاء الدین عظاملك ، صاحب کتاب تاریخ جهانگشا را به بغداد فرستاد تا کارهای ملکی آنجا را اداره کند . صفی الدین به دستگاه عظاملك نزدیک شد و پیش او تقرب یافت چندانکه او را بریاست دارالانشاء خویش برگزید .

علاء الدین پس از چندی عازم تبریز شد و صفی الدین را نیز با خود برد ، در تبریز به اشاره شمس الدین محمد جوینی ، صفی الدین به تعلیم پسر ارشد او شرف الدین هارون مشغول شد که رساله موسیقی «شرفیه» را بنام او تألیف کرده است .

صفی الدین در باره سالهای آخر زندگی خود چنین گفته است : «پس از مرگ علاء الدین و کشته شدن شمس الدین ، بخت از من رو بر تافت و از حیث روزی و زندگی بسختی افتادم ، از یکسو وام دار ، و از سوی دیگر دارای فرزندان و فرزندانگان متعدد شدم ، و در اثر سال خوردگی از تلاش در راه

تحصیل معاش فرورماندم . . . ، علوم انسانی و مطالعات فرنگی و بدیهی است این تنگی و سختی ، با پیشرفت سال و ماه افزون میگشت و روزگار بر او بی اندازه سخت میگذاشت . کسیکه بهای تره خوان مهمانش بچهارصد درهم میرسید و عظمت دستگاه او سرداران غارتگر مغول را خیره و مبهوت میکرد ، چنان تنگدست و بینوا شد که از پرداخت وام خود بمردم عاجز بود ، عاقبت یکی از طلبکاران صفی الدین ، که مجدالدین نام داشت و غلام ابن صباغ بود از او به قاضی شکایت برد و چون نمیتوانست وام او را بپردازد محکوم

۱- مسالك الابصار ( نقل از حسن اربلی که در مدرسه مستنصریه همکلاس

صفی الدین بوده است ) ایضاً منقول از مقاله آقای طباطبائی .



به حبس شد و آن زندگانی پر افتخار با چنین عاقبتی که برای تاریخ تمدن اسلام خالی از عیب نیست پایان آمد و صفی‌الدین هشتادساله در زندان قاضی ، بجرم فقر و بینوائی ، روز هجدهم صفر سال ۶۹۳ جان سپرد ،<sup>۱</sup> .  
از صفی‌الدین دو کتاب برجای مانده است که هر دو از معتبرترین رساله های موسیقی است .

### الف : کتاب الادوار

که سال ۶۳۳ هجری مطابق با ۱۲۳۵ میلادی برشته تحریر درآمده است - این کتاب مشتمل است بر پانزده فصل بشرح زیر :

فصل اول : تحت عنوان : فی تعریف الانغام و بیان الحدة والثقل ( بحثی است درباره چگونگی اصوات موسیقی و نامگذاری نوتها و زیر و بمی آنها ) .

فصل دوم تحت عنوان : فی اقسام الدساتین ( بحثی است درباره پرده بندی عود ) .

فصل سوم : تحت عنوان : فی نسب الابعاد ( بحثی است راجع به فواصل موسیقی ) .

فصل چهارم : تحت عنوان : فی الاسباب الموجبة للتنافر ( بحثی است درباره فواصل نامطبوع ) .

فصل پنجم : تحت عنوان : فی التألیف الملایم ( بحثی است راجع به چگونگی استفاده از فواصل نامطبوع ) .

فصل ششم : تحت عنوان : فی الادوار و نسبها ( بحثی است درباره گام های موسیقی و نسبت های آنها ) .

فصل هفتم : تحت عنوان : فی حکم الوترین ( بحثی است درباره اعمال ادوار بر روی سازهایی که واجد دو رشته هستند ) .

- 
- ۱- درباره صفی‌الدین و عود نوازش افسانه‌هایی پرداخته اند که خالی از اغراق نیست برای مزید آگاهی بمقاله اشاره شده بقلم آقای محیط طباطبائی رجوع کنید .
  - ۲- صفی‌الدین در این فصل تنبورهای دو رشته‌ای را مبنای بحث خویش قرار داده است ،

فصل هشتم : تحت عنوان : فی ذکر العود و تسویه الاوتار و استخراج  
الادوار منه (بجئی است درباره ساز عود<sup>۱</sup> و تارهای آن و چگونه استخراج گامها  
در این ساز) .

فصل نهم : تحت عنوان : فی اسماء الادوار المشهوره (بجئی است درباره  
مقامها یا گامهای متداول و مشهور آن زمان) .

فصل دهم : تحت عنوان : فی تشارك نغم الادوار (بجئی است راجع به  
مشارکت نوتها یا اصوات گامها یا مقامهای گوناگون) .

فصل یازدهم : تحت عنوان : فی طبقات الادوار (بجئی است درباره طبقه  
بندی گامهای موسیقی) .

فصل دوازدهم : تحت عنوان : فی الاصطحاب الغير المعهود (بجئی است  
راجع به کوک کردن سیمهای عود بنحوی بدیع و غیر متداول) .

فصل سیزدهم : تحت عنوان : فی الادوار الايقاع (بجئی است درباره وزن  
های گوناگون موسیقی) .

فصل چهاردهم : تحت عنوان : فی تاثیر النغم (بجئی است راجع به تأثیر  
اصوات در روان آدمی) .

فصل پانزدهم : تحت عنوان : فی مباشرة العمل (دستورالعملی است برای  
نوازندگان و خوانندگان) .

از این کتاب نسخه های خطی متعددی در کتابخانه های مشهور جهان  
موجود است<sup>۲</sup> و ترجمه ناقصی از آن در یکی از شماره های مجله موسیقی چاپ  
شده است .

### ب : کتاب : الشرفیه فی النسب التألیفیه

این رساله بسال ۶۶۶ هجری مطابق با ۱۲۶۷ میلادی در زمان خلافت

---

۱- در این فصل عود پنج رشته ای مبنای بحث قرار گرفته است .

۲- رجوع کنید به The Arabic musical manuscripts in the

Bodleian Library تألیف هانری جرج فارمر و همچنین The Sources of

Arabian music اثر فارمر .

المستعصم آخرین خلیفه عباسی تألیف شده و چون به شرف الدین هارون ، فرزند شمس الدین محمد جوینی وزیر هلاکو خان مغول اهداء گشته بنام او نیز تسمیه شده است .

این کتاب واجد پنج فصل بشرح زیر است :

فصل اول : تحت عنوان : فی اکلام علی الصوت و لواحقه و فی شکوک واردة

علی ما قبل فیه ( بحثی است درباره صوت ) .

فصل دوم : تحت عنوان : فی حصر نسب الاعداد ( یا ابعاد ) بعضها الی بعض

و استخراج الابعاد و نسبها المستخرجة من نسب مقادیرها و مراتبها فی التلاثم و

التنافر و اسمائها الموضوعه لها - ( بحثی است درباره فواصل موسیقی و انواع آن

از مطبوع و نامطبوع و تناسب آنها بایکدیگر ) .

فصل سوم : تحت عنوان : فی اضافات الابعاد بعضها الی بعض و فصل بعضها

عن بعض و استخراج الاجناس من الابعاد الوسطی ( بحثی است درباره فواصل

افزوده و استخراج دانکها یا ذوالاربع هائی که واجد فواصل وسطا هستند ) .

فصل چهارم - تحت عنوان : فی ترتیب الاجناس فی طبقات الابعاد [ العظمی ] و

ذکر نسبها و اعدادها - ( بحثی است درباره فواصل گوناگون موجود در دانکها

یا ذوالاربعها و مقایسه آنها بایکدیگر و ذکر و تعداد آنها ) .

فصل پنجم - تحت عنوان : فی الایقاع و نسب ادواره و الارشاد الی کیفیة

استخراج الالحن بالصناعة العملية - ( بحثی است درباره وزن شناسی موسیقی و

تعلیم نوازندگی و خوانندگی ) .

از این رساله نیز نسخهها و نسخه بدلهاى متعددی در کتابخانههای مشهور

جهان<sup>۲</sup> موجود است .

صفی الدین عبدالؤمن ارموی را باید بحق یکی از موسیقی دانها و موسیقی-

---

۱- رجوع کنید به کتاب ، ردیف موسیقی ایران ، مقدمه به قلم آقای دکتر

مهدی برکشلی (صفحه یازدهم به بعد) موضوع وسطای ایران و وسطای زلزل .

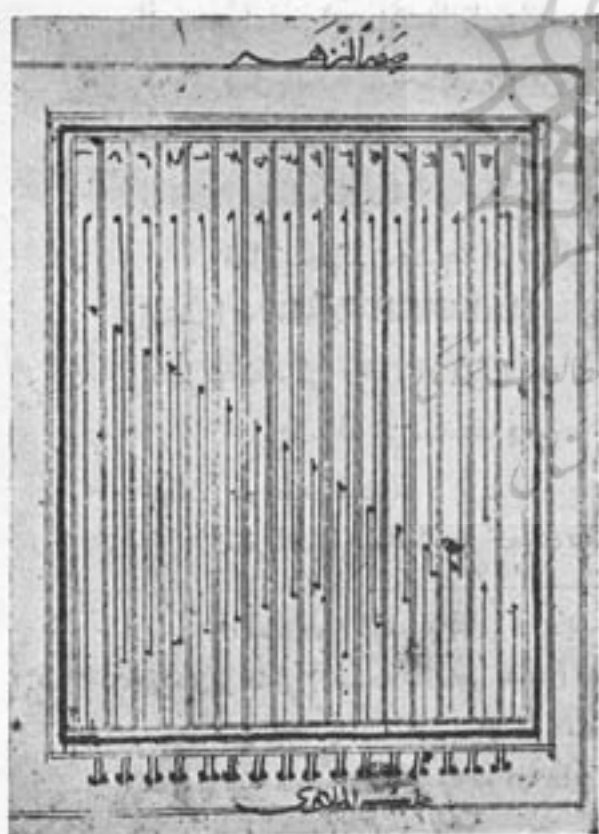
۲- رك به ، منابعی که در همین مقال ذیل مبحث کتاب ، ادوار یاد شده

است بویژه صفحه دهم جزوه ، The Arabic musical manuscripts in the Bodleian library

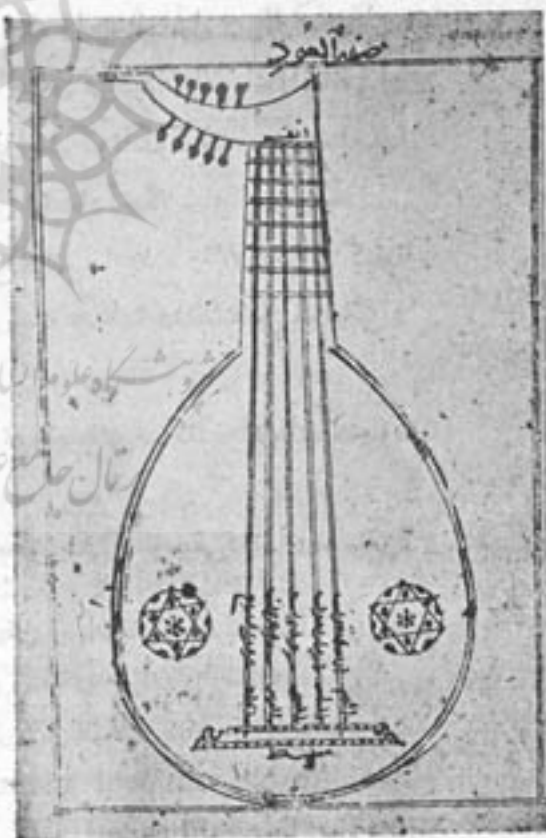


شناسان نامدار و معتبر ایران و جهان بشمار آورد . فارمر در مورد این نایفه قرن هفتم هجری نوشته است : « صفی‌الدین مهمترین تئوری‌نویس موسیقی ، بعد از ابن‌سینا و ابن‌زبیله بوده است . وی مبتکر و بنیان‌گذار مکتب سیستماتیک تئوری موسیقی عربی بشمار می‌آید . بسیاری از نویسندگان رسالات موسیقی بعد از وی ، نظریات او را در کتابهای خود نقل کرده‌اند و شروحنی بر آثارش نوشته‌اند ، از آنجمله است شرحی که عبدالقادر غیبی مراغه‌ای بر کتاب الادوار صفی‌الدین نوشته است .

فارمر در مقدمه کتاب : منابع موسیقی عرب (س XXIII مقدمه) نوشته است . « مشهورترین فرد مکتب جدید موسیقی قرن هفتم هجری صفی‌الدین عبدالؤمن ارموی است . وی بعد از فارابی بزرگترین موسیقی‌شناس ( یا تئوریسین موسیقی ) بشمار می‌آمده است . در شرق نزدیک و خاورمیانه ، صفی‌الدین بمنزله سرچشمه فیاض دانش موسیقی شناخته شده است . کیزوتر Kieseewetter



نزهه



عود

اورا زارلینوی Zarlinu شرق نام نهاده است<sup>۱</sup> - سر هیوبرت پری Sir Hubert Parry مکتب صفی الدین را کامل ترین مکاتب اعصار نام نهاده است<sup>۲</sup> .  
در خاتمه ضرورت دارد از تصویر چند ساز که در دو نسخه از کتاب الادوار یکی مضبوط در کتابخانه بادلیان و دیگری مضبوط در کتابخانه ملی قاهره ترسیم شده است یاد کنم .

در نسخه خطی متعلق به مارش Marsh که شماره ۵۲۱ در کتابخانه بادلیان مضبوط است تصویر دو ساز ترسیم شده است که یکی نزهه (بضم اول و سکون ثانی) و دیگری عود است .

نزهه شباهت زیادی به قانون و سنتور دارد با این تفاوت که اشراع کاسه صوتی این ساز بشکل مربع مستطیل است . این ساز پانزده رشته اصلی داشته که صفی الدین به نحو ذیل آنها را نامگذاری کرده است :

ا - د - ه - ح - یا - یج -  
یه - یج - ک - کب - که - کج -  
کط - لب - له

چنانچه « الف » را « لای »

( زیر حامل ) فرض کنیم نوت های ذیل بدست می آید :

لا - سی - دو - ر - می -  
فادیز - سل بکار - لا - سی کرن -  
دو - ر - می - فا - سل - لا .

ساز دیگر عود است که دارای پنج تار مزدوج (و مجموعاً دو تار) بوده است بنام های : بم - مثلث - مثنی - زیر - حاد .

ساز دیگری که در کتاب منابع موسیقی عرب چاپ شده چنگک است .



1 - Kiesewetter , Die Musik der Araber. 1942 - 9. 13

2 - Parry , the Art of music , 1896 . P . 16



این تصویر از کتاب ادوار صفی‌الدین ( نسخه خطی شماره ۲۷ / ۱۳۲۶ کتابخانه  
ملی قاهره ) نقل شده است .

این چنگ سی و چهار رشته دارد و بقراری که روی نخستین تار آن نوشته  
شده بلندترین رشته آن «بیح» یعنی «لای» ( بین خط دوم و سوم ) کواکب میشده  
است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی